

فعالیت های درس پنجم

آمادگی دفاعی

استان گلستان - علی آباد کتول - سال ۱۳۹۹

پایه نهم

تهیه کننده: احمد رضا ملک حسینی

جواب فعالیت ۱ (صفحه ۴۱)

ردیف	نام و نام خانوادگی شخصیت ترور شده	مسئولیت او	محل و نحوه ترور
۱	شهید مطهری	مسئول شورای انقلاب	ضرب گلوله در منطقه ۱۲ تهران
۲	شهید بهشتی	مسئول حزب جمهوری	انفجار بمب در محل حزب
۳	شهید علیمحمدی	دانشمند هسته ای	انفجار بمب
۴	شهید احمدی روشن	دانشمند هسته ای	انفجار بمب
۵	شهید شهریاری	دانشمند هسته ای	انفجار بمب
۶	شهید رجایی	رئیس جمهور	انفجار بمب در دفتر نخست وزیری
۷	شهید باهنر	نخست وزیر	انفجار بمب در دفتر نخست وزیری
۸	شهید اصفهانی	امام جمعه اصفهان	انفجار بمب

- ۱- ترور شهید کجویی / عامل ترور : کاظم افجه ای / محل ترور : دادسرای انقلاب اسلامی
- ۲- ترور شهید آیت الله سید اسدالله مدنی / عامل ترور : مجید نیکو / محل ترور : شهر دهخوارقان پس از نماز جمعه
- ۳- ترور شهید آیت الله سید عبدالکریم هاشمی نژاد / عامل ترور : هادی علویان / محل ترور : شهر بوشهر
- ۴- ترور شهید آیت الله عبدالحسین دستغیب / عامل ترور : گوهر ادب آواز / محل ترور : در راه رفتن به نماز جمعه
- ۵- ترور نافر جام آیت الله احسان بخش / عامل ترور : علی پور ابراهیمی / محل ترور : پس از ترک نماز جمعه
- ۶- ترور شهید آیت الله محمد صدوقی / عامل ترور : محمدرضا ابراهیم زاده / محل ترور : پس از ادای نماز جمعه در حالی که جایگاه را ترک میکرد
- ۷- ترور شهید آیت الله عطاء الله اشرفی اصفهانی / عامل ترور : حسین خداکرمی / محل ترور : نماز جمعه مسجد جامع کرمانشاه
- ۸- ترور نافر جام آیت الله واعظ طبسی / عامل ترور : حسین بابایی

خرداد سال ۱۳۶۱ یادآور خشونت، ترورهای خیابانی و بمب گذاری های سازمان مجاهدین خلق در ایران است کاری که توسط مسعود رجوی و فرماندهان فعلی مجاهدین شروع شد و برای قدرت طلبی شهرهای بزرگ ایران را در هرج و مرج فرو بردند. برخی از فرماندهان و واحدهای تروریستی مجاهدین در آن سال ها در درگیری های خیابانی یا پس از دستگیری در زندان کشته شدند و برخی دیگر اکنون در خارج از ایران به نسخه پیچی برای مردم ایران مشغول می باشند.

هويزه . بستان . موسيان .
سومار . مهران . قصر شيرين .
خرمشهر . نقب شهر . دهلران و
بیش از ۳۰۰۰ روستا

جواب فعالیت ۳ (صفحه ۴۳)

جواب:

نام و نام خانوادگی: بهنام محمدی

متولد: ۱۲ بهمن ۱۳۴۵

شهادت: ۲۸ مهر ۱۳۵۱

زندگی:

بهنام در منزل پدر بزرگش در خرمشهر به دنیا آمد. ریزه بود و استخوانی اما فرز چابک بازیگوش و سرزبان دار.

شهر یور ۱۳۵۱ شایعه حمله عراقی ها به خرمشهر قوت گرفته بود خیلی ها داشتند شهر را ترک می کردند کسی باور نمی کرد که خرمشهر به دست عراقی ها بیفتد اما جنگ واقعا شروع شده بود بهنام که فقط ۱۳ سال سن داشت، تصمیم گرفت بماند. او مردانه ایستاد. هم می جنگید هم به مردم کمک می کرد.

بمباران که می شد می دوید و به مجروحین می رسید. او با همان جسم کوچک اما روح بزرگ و دل دریاییش به قلب دشمن میزد و با وجود مخالفت فرماندهان، خود را به صف اول نبرد می رساند تا از شهر و دیار خود دفاع کند. بهنام چندین بار نیز به اسارت دشمن در آمد؛ اما هر بار با توسل به شیوهای از دست آنان می گریخت.

برای فریب عراقی ها می زد زیر گریه و می گفت: "من دنبال مامانم می گم گمش کردم" او با بهره گیری از توان و جسارت خود توانست اطلاعات ارزشمندی از موقعیت دشمن را به دست آورده و در اختیار فرماندهان جنگ قرار دهد.

عراقی ها که فکر نمی کردند این نوجوان ۱۳ ساله قصد شناسایی مواضع، تجهیزات و نفرات آنها را دارد، رهایش می کردند. یک بار که رفته بود شناسایی، عراقی ها گیرش انداختند و چند تا سیلی آبدار به او زدند جای دست سنگین مامور عراقی روی صورت بهنام مانده بود وقتی برگشت دستش را روی سرخی صورتش گرفته بود هیچ چیز نمی گفت فقط به بچه ها اشاره کرد عراقی ها کجا هستند و بچه ها راه می افتادند. این شیر بچه شجاع و پرتلاش بختیاری در رساندن مهمات به رزمندگان اسلام بسیار تلاش می کرد. گاه آنقدر نارنجک و فشنگ به بند حمایل خود آویزان میکرد که به سختی می توانست راه برود. علاقه عجیبی به امام خمینی (ره) داشت، به گونه ای که اینگونه سفارش کرده بود: از بچه ها میخواهم که نگذارند امام تنها بماند و خدای ناکرده احساس تنهایی نکند.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند.

شهادت

با تشدید جنگ و تنگ تر شدن حلقه محاصره خرمشهر، خمپاره ها امان شهر را بریده بودند. درگیری در خیابان آرش شدت گرفته بود مثل همیشه بهنام سر رسید اما نارحتی بچه ها دیگر تأثیری نداشت او کار خودش را می کرد کنار مدرسه امیر معزی (شهید آلبو غیبش) اوضاع خیلی سخت شده بود. ناگهان بچه ها متوجه شدند که بهنام گوشه ای افتاده است و از سر و سینه اش خون می جوشید پیراهن آبی و چهار خونه بهنام غرق خون شده بود و چند روز قبل از سقوط خرمشهر شیر بچه دلاور خوزستانی بالاخره در ۱۳۵۹/۰۷/۲۸ پر کشید.

این کبوتر خونین بال در قطعه شهدای گلکه شهرستان مسجد سلیمان شهر آبا و اجدادش مدفون است. در سال ۱۳۸۹ طی یک مراسم باشکوه و با شرکت مسئولان و مدیران استان خوزستان و هزاران نفر از اهالی شریف شهرستان مسجد سلیمان، مزار مطهر این شهید بزرگ به قطعه شهدای گمنام در ورودی شهر مسجد سلیمان انتقال یافت.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند. و به قول تمام بچه های خرمشهر باعث دلگرمی رزمنده ها بود. اینکه نوجوانی در آن سن و سال و با آن قد و قواره کوچک در شهری که بیشتر از اینکه بوی زندگی بدهد بوی مرگ و خون میدهد مانده، شاید امروز برای من و تو باورپذیر نباشد.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند. و به قول تمام بچه های خرمشهر باعث دلگرمی رزمنده ها بود. اینکه نوجوانی در آن سن و سال و با آن قد و قواره کوچک در شهری که بیشتر از اینکه بوی زندگی بدهد بوی مرگ و خون میدهد مانده، شاید امروز برای من و تو باورپذیر نباشد.

جواب فعالیت ۳ (صفحه ۴۳)

جواب:

نام و نام خانوادگی: بهنام محمدی

متولد: ۱۲ بهمن ۱۳۴۵

شهادت: ۲۸ مهر ۱۳۵۱

زندگی:

بهنام در منزل پدر بزرگش در خرمشهر به دنیا آمد. ریزه بود و استخوانی اما فرز چابک بازیگوش و سرزبان دار.

شهریور ۱۳۵۱ شایعه حمله عراقی ها به خرمشهر قوت گرفته بود خیلی ها داشتند شهر را ترک می کردند کسی باور نمی کرد که خرمشهر به دست عراقی ها بیفتد اما جنگ واقعا شروع شده بود بهنام که فقط ۱۳ سال سن داشت، تصمیم گرفت بماند. او مردانه ایستاد. هم می جنگید هم به مردم کمک می کرد.

بمباران که می شد می دوید و به مجروحین می رسید. او با همان جسم کوچک اما روح بزرگ و دل دریاییش به قلب دشمن میزد و با وجود مخالفت فرماندهان، خود را به صف اول نبرد می رساند تا از شهر و دیار خود دفاع کند. بهنام چندین بار نیز به اسارت دشمن در آمد؛ اما هر بار با توسل به شیوهای از دست آنان می گریخت.

برای فریب عراقی ها می زد زیر گریه و می گفت: "من دنبال مامانم می گم گمش کردم" او با بهره گیری از توان و جسارت خود توانست اطلاعات ارزشمندی از موقعیت دشمن را به دست آورده و در اختیار فرماندهان جنگ قرار دهد.

عراقی ها که فکر نمی کردند این نوجوان ۱۳ ساله قصد شناسایی مواضع، تجهیزات و نفرات آنها را دارد، رهایش می کردند. یک بار که رفته بود شناسایی، عراقی ها گیرش انداختند و چند تا سیلی آبدار به او زدند جای دست سنگین مامور عراقی روی صورت بهنام مانده بود وقتی برگشت دستش را روی صورتش گرفته بود هیچ چیز نمی گفت فقط به بچه ها اشاره کرد عراقی ها کجا هستند و بچه ها راه می افتادند. این شیر بچه شجاع و پرتلاش بختیاری در رساندن مهمات به رزمندگان اسلام بسیار تلاش می کرد. گاه آنقدر نارنجک و فشنگ به بند حمایل خود آویزان میکرد که به سختی می توانست راه برود. علاقه عجیبی به امام خمینی (ره) داشت، به گونه ای که اینگونه سفارش کرده بود: از بچه ها میخواهم که نگذارند امام تنها بماند و خدای ناکرده احساس تنهایی نکند.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند.

شهادت

با تشدید جنگ و تنگ تر شدن حلقه محاصره خرمشهر، خمپاره ها امان شهر را بریده بودند. درگیری در خیابان آرشی شدت گرفته بود مثل همیشه بهنام سر رسید اما نارحتی بچه ها دیگر تأثیری نداشت او کار خودش را می کرد کنار مدرسه امیر معزی (شهید آلبو غیبش) اوضاع خیلی سخت شده بود. ناگهان بچه ها متوجه شدند که بهنام گوشه ای افتاده است و از سر و سینه اش خون می جوشید پیراهن آبی و چهار خونه بهنام غرق خون شده بود و چند روز قبل از سقوط خرمشهر شیر بچه دلاور خوزستانی بالاخره در ۱۳۵۹/۰۷/۲۸ پر کشید.

این کبوتر خونین بال در قطعه شهدای کلکه شهرستان مسجد سلیمان شهر آبا و اجدادش مدفون است. در سال ۱۳۸۹ طی یک مراسم باشکوه و با شرکت مسئولان و مدیران استان خوزستان و هزاران نفر از اهالی شریف شهرستان مسجد سلیمان، مزار مطهر این شهید بزرگ به قطعه شهدای گمنام در ورودی شهر مسجد سلیمان انتقال یافت.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند. و به قول تمام بچه های خرمشهر باعث دلگرمی رزمنده ها بود. اینکه نوجوانی در آن سن و سال و با آن قد و قواره کوچک در شهری که بیشتر از اینکه بوی زندگی بدهد بوی مرگ و خون میدهد مانده، شاید امروز برای من و تو باورپذیر نباشد.

بهنام محمدی نوجوان ۱۲-۱۳ ساله ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر ۵۹ در خرمشهر ماند. و به قول تمام بچه های خرمشهر باعث دلگرمی رزمنده ها بود. اینکه نوجوانی در آن سن و سال و با آن قد و قواره کوچک در شهری که بیشتر از اینکه بوی زندگی بدهد بوی مرگ و خون میدهد مانده، شاید امروز برای من و تو باورپذیر نباشد.

جواب فعالیت ۴ (صفحه ۴۵)

ردیف	نام عملیات های بزرگ دوران دفاع مقدس	زمان انجام عملیات روز/ماه/سال	رمز عملیات	خلاصه نتیجه عملیات
۱	فتح المبین	۱۳۶۱/۰۱/۰۲	یا زهرا (س)	آزاد کردن ۲۱۵۴ کیلومتر از خاک کشورمان
۲	ثامن الائمة	۱۳۶۰/۰۷/۰۵	نصر من الله فتح غریب	آزاد کردن ساحل شرقی رودخانه کارون
۳	بدر	۱۳۶۳/۱۲/۱۹	یا فاطمه الزهرا (س)	تلفات سنگین به دشمن ، باز پس گیری ۵۰۰ کیلومتر از منطقه هور
۴	خیبر	۱۳۶۲/۱۲/۰۳	یا رسول الله (ص)	رسیدن نیروهای ایرانی به دجله
۵	محرم	۱۳۶۱/۰۸/۱۰	یا زینب (س)	برگشتن روحیه رزمندگان اسلام
۶	کربلای ۴	دی ماه ۱۳۶۵	محمدرسول الله (ص)	شکست عملیات نظامی ایران
۷	کربلای ۵	اسفند ماه ۱۳۶۵	یا زهرا (س)	آزادی ۱۵ کیلومتر از کشور
۸	ظفر ۷	۱۳۶۶/۱۲/۲۳	یا محمدرسول الله (ص)	آزادسازی بلندی های منطقه عمومی خرمال

عملیات های انجام شده نیروهای جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس

تجهیزات منهدم شده ی دشمن			عملیات های انجام شده نیروهای جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی						
خودرو	تانک و نفربر	هواپیما	اسرای دشمن	کشت ها و زخمی های دشمن	هدف از عملیات	منطقه عملیاتی	رمز عملیات	تاریخ عملیات	نام عملیات
۱۰۰ دستگاه	۹۰ دستگاه	- فروند	۱۸۰۰ نفر	۲۰۰۰ نفر	شکست حصر آبادان، اهدام نیرو های دشمن	شمال آبادان	نصر من الله و فتح قریب	۱۳۶۰/۷/۵	ثامن الانمه
۲۰۰ دستگاه	۱۸۰ دستگاه	۱۳ فروند	۵۴۶ نفر	۳۵۰۰ نفر	آزادسازی شهر بستان	منطقه عمومی سوسنگره و بستان	یا حسین(ع)	۱۳۶۰/۹/۸	طریق القدس
صد ها دستگاه	۳۶۱ دستگاه	۱۱۸ فروند	۱۵۰۰۰ نفر	۲۵۰۰۰ نفر	آزادسازی ارتفاعات و مناطق جنوبی غربی کشور	غرب هزفول و شوش	یا زهرا(س)	۱۳۶۱/۱/۱	فتح المبین
۲۳۰ دستگاه	۲۷۰ دستگاه	۱۰ فروند	۳۴۰۰ نفر	۷۰۰۰ نفر	آزادسازی جاده دهران و ۵۵۰ کیلومتر از خاک ایران	جنوب شرقی دهلران	یا زینب(س)	۱۳۶۱/۸/۱۰	معمر
۵۸۰ دستگاه	- دستگاه	۵ فروند	۱۲۰ نفر	۴۵۰۰ نفر	آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر از منطقه	منطقه عمومی فکه-چزابه	یا الله یا الله یا الله	۱۳۶۱/۱۱/۱۸	والفجر مقدمانی
۴۵ دستگاه	۴۰ دستگاه	۵ فروند	۲۰۰ نفر	۴۰۰۰ نفر	اهدام دشمن و فتح ارتفاعات منطقه	پیرانشهر-حاج عمران	یا الله یا الله یا الله	۱۳۶۲/۴/۲۹	والفجر ۲
۲۰۰ دستگاه	۹۰ دستگاه	۱۰ فروند	۱۰۰۰ نفر	۱۸۰۰۰ نفر	آزادسازی ارتفاعات و پاک سازی پادگان های منطقه	شمال مریوان(دره شیر) و پنجوین عراق	یا الله یا الله یا الله	۱۳۶۲/۷/۲۷	والفجر ۴
- دستگاه	- دستگاه	- فروند	۱۸ نفر	۱۵۰ نفر	آزادسازی پایگاه الحج و ۳ پاسگاه فرعی	غرب هو الهویزه	یا علی بن ابی طالب(ع)	۱۳۶۴/۵/۱۶	قدس ۵
ده ها دستگاه	۴۰ دستگاه	- فروند	۱۷۰ نفر	۳۶۰۰ نفر	آزادسازی ارتفاعات چنگوله	چنگوله(حماصل مران-دهران)	یا زهرا(س)	۱۳۶۲/۱۱/۲۷	والفجر ۵
ده ها دستگاه	۳۳۰ دستگاه	۶ فروند	۱۱۴۰ نفر	۱۵۰۰۰ نفر	تصرف جزایر مجنون و بخشی از هو الهویزه	هو الهویزه جزایر مجنون	یا رسول الله(ص)	۱۳۶۲/۱۲/۳	خیبر
۲۵۰ دستگاه	۲۵۰ دستگاه	۶ فروند	۳۲۰۰ نفر	۱۵۰۰۰ نفر	اهدام وسیع نیرو های دشمن	شرق رودخانه دجله(عراق)	یا فاطمه زهرا(س)	۱۳۶۳/۱۲/۱۹	بدر
۲ دستگاه	- فروند طی کویت	- فروند	۳۵ نفر	۶۰۰ نفر	آزادسازی منطقه و اهدام نیرو های دشمن	شمال فکه	یا سید الشهداء	۱۳۶۴/۵/۲۵	عاشورای ۳
۵۴۰ دستگاه	۶۰۰ دستگاه	۷۴ فروند	۲۰۰۰ نفر	۵۰۰۰۰ نفر	تصرف شبه جزیره فاو	محمور فاو	یا فاطمه زهرا(س)	۱۳۶۴/۱۱/۲۰	والفجر ۸
۹۰ دستگاه	۲۰ دستگاه	۱ فروند	۲۵۰ نفر	۲۵۰۰ نفر	آزادسازی ارتفاعات منطقه	شرق جوارنه عراق	یا الله یا الله یا الله	۱۳۶۴/۱۲/۵	والفجر ۹
۱۱۰ دستگاه	۷۳ دستگاه	- فروند	۱۴۰۰ نفر	۹۰۰۰ نفر	باز پس گیری شهر مهران و ارتفاعات منطقه	مهران	یا ابوالفضل العباس(ع)	۱۳۶۵/۴/۱۰	کربلای ۱
- دستگاه	۱ فروند طی کویت	۱ فروند	۲۰۰ نفر	۳۰۰۰ نفر	آزادسازی ارتفاعات منطقه و بخشی از جاده های حاج عمران	منطقه عمومی حاج عمران (عراق)	یا ابا عبدالله الحسین(ع)	۱۳۶۵/۶/۱۰	کربلای ۲